

این فایل فقط برای مشاهده می باشد . برای خرید فایل ورد این تحقیق و مقاله با قیمت فقط سه هزار تومان به سایت فروشگاهی آسمان مراجعه نمایید.

**موضوع :**

**بررسی و تحلیل تاثیر نفت در بازار و اقتصاد کشور**

[www.asebankafinet.ir](http://www.asebankafinet.ir)

فروشگاه آسمان

## فهرست مطالب

۳	چکیده :
۳	کلیدواژه:
۴	The effect of oil on the economy.
۵	مقدمه:
۱۰	رانت نفتی
۱۱	عوامل کاهش قیمت نفت
۱۱	الف- عوامل بنیادی،
۱۱	ب- عوامل مالی ،
۱۲	ج- عامل انتظاری یا روانشناختی
۱۲	تبعات کاهش قیمت نفت بر اقتصاد ایران
۱۳	دلایل افزایش قیمت نفت
۱۴	تبعات افزایش قیمت نفت
۱۶	اقتصاد متکی به نفت و درآمد های نفتی (ویژگی های عمومی)
۱۷	تاثیر و رابطه نفت، ثروت و قدرت در ساخت قدرت در ایران
۲۲	تغییر ساختار اقتصاد وابسته به نفت ، راهی به سوی صنعتی شدن
۲۲	توسعه اقتصادی آینده و جهت گیری های مصرف انرژی و درآمد های نفتی
۲۳	چالش اقتصاد نفتی
۲۸	عملکرد دولت در رابطه با درآمدهای نفتی
۲۹	جدول ۱ . میزان و سهم درآمدهای نفتی از بودجهی عمومی کشور
۳۰	جدول ۲ . سهم درآمدهای نفتی از منابع عمومی دولت در بودجهی ۱۳۹۲
۳۰	لزوم گذار از اقتصاد نفتی
۳۱	الف) توسعهی صنایع تبدیلی پتروشیمی
۳۲	ب) رونق تولید ملی جهت احیای نظام مالیاتی
۳۳	کارکردها و آثار منفی نفت در نظام اقتصادی - اجتماعی ایران
۳۷	بحث و نتیجه گیری:
۴۰	فهرست منابع

## چکیده :

از گذشته نقش نفت در اقتصاد ایران ، بحث گسترده و مهمی است . در یک سو دید غالب این است که نفت منابع مالی چشمگیری برای مصرف و سرمایه گذاری در ایران به ارمغان آورده و در مقایسه با آنچه بدون نفت ، احتمالاً اتفاق می افتاد ، امکان رشد سریعتری برای درآمد ملی فراهم کرد. (۲) در سوی دیگر برخی معتقدند ضعف های ساختاری و مدیریتی ایران ، موانعی بر استفاده مناسب از پتانسیل درآمد های نفتی ایجاد و بعضاً رانت های نفتی ، آن را تشدید کرد. (۱۰)

گروهی معتقدند با کوشش جهت جبران ضعف ساختاری و اتخاذ سیاست مناسب می توان اثر مثبت نفت بر اقتصاد ایران را تقویت کرد. عده ای مشکل اصلی را وجود رانت های نفتی می دانند و اینکه نفت در مجموع بلای بزرگی برای ایران است. (۵) به خصوص وجود منابع نفتی قدرت های استعماری را به منطقه کشانده انگیزه آنها برای تسلط بر ایران را تقویت کرده است و درآمد های نفتی به شیوه های دیگری نیز نیروهای مولد کشور از تلاش لازم برای توسعه صنعتی بازداشته است. این درآمد ها توجه دولت و بخش خصوصی را بیش از حد از تولید دور و به واردات معطوف کرده است. (۱۹)

## کلیدواژه:

نفت ، اقتصاد ، توسعه اقتصادی، رشد اقتصادی ، اقتصاد نفت .

## **The effect of oil on the economy.**

**Abstract :** The role of oil in the economy, an extensive discussion is important. On one hand, the prevailing view is that significant financial resources for consumption and investment in Iran's oil, brought no oil compared with what might happen, brought in the national income grow faster. A side as some say it another Iran's structural and managerial weaknesses, obstacles and sometimes make good use of the potential of the oil revenues of oil rents, it escalated. Some of the main problems of oil rents as a total disaster and that the oil giant for Iran. Especially drawn to the region 's oil resources, colonial powers have strengthened their motivation to dominate Iran And Oil revenues to other modes of productive forces of the country has hindered efforts for industrial development .The revenues of the government and the private sector too has shifted from offshore production and imports .

**Keywords :** Oil, economy, economic development, economic growth, the oil economy

### مقدمه:

امروزه اکثر اندیشمندان اقتصاد سیاسی اجماع دارند که فرایند توسعه یافتگی سیاسی و اقتصادی و بالطبع امنیت ملی کشورهای صادر کننده نفت تحت تاثیر درآمدهای نفتی و به عبارتی اقتصاد نفتی این کشورها قرار دارد. تاثیر پذیری حیات سیاسی و به طور مشخص امنیت ملی از نفت در چند دهه اخیر نمونهای متفاوتی داشته است. (۱۸) برخی از ویژگیهای صنعت نفت از قبیل وابستگی به فراز و نشیب تقاضا و مصرف در بیرون از مرزهای ملی. وابستگی صنعت نفت به تکنولوژیهای پیچیده کشورهای صنعتی و شرکتهای چند ملیتی. (۱۱) وابستگی به سرمایه گذار کلان برای اکتشاف و استخراج. کنترل قیمت نفت به وسیله نیروهای بین المللی. گستره و عمق تاثیر گذاری این ماده را بر سرنوشت ملی بیشتر کرده است. (۱۹)

بدین ترتیب میتوان گفت وابستگی کشورمان به درآمد نفتی در عرصه اقتصاد بین الملل یک روی مساله است. روی دیگر مساله در تعامل امنیت ملی کشور با درآمدهای نفتی. تاثیر است که نفت در عرصه داخلی بر حیات اجتماعی و اقتصادی دارد. متاسفانه باید اذعان نمود که اگر نفت را از اقتصاد ملی حذف نماییم تمام ارکان حیات اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی ما شدیداً تحت الشعاع آن قرار می گیرد. (۱) تزریق سرمایه به بخش صنعت. واردات کالاهای اساسی. تامین و دستیابی به تکنولوژی جدید صنعتی و نظامی و تامین انرژی داخلی. وابسته به درآمدهای نفتی است. (۱۳) به عبارتی صریح تر امنیت اقتصادی. امنیت اجتماعی و حتی از

دیدگاهی فراتر امنیت و ثبات سیاسی کشور تحت تاثیر درآمدهای نفتی و به عبارتی اقتصاد نفتی می باشد (۹).

منابع هیدروکربوری می توانند از سرمایه های زاینده کشور باشند . از این جهت صنعت نفت بخش پیشتاز در توسعه اقتصاد کشور محسوب می شود . این بخش ایجاد کننده فرصت های جدید برای مدیریت کلان کشور به منظور تنوع بخشی به اقتصاد کشور است (۱۸) و بهره برداری کامل از ظرفیت های صنعت نفت ، ارتقا دهنده سطح امنیت ملی و یکی از مهمترین عوامل در افزایش توان راهبردی (استراتژیک) کشور خواهد بود . (۴) با اجرای سیاست های ترسیم شده و عنایت به ارزش های نوین در صنعت نفت که از الزامات قطعی هر حرکت و تلاش برای نیل به موفقیت است و با انجام سرمایه گذاری های لازم در این بخش ، اهداف پیش بینی شده در افق چشم انداز محقق خواهد شد . (۲)

برای طراحی استراتژی کاهش و قطع وابستگی به نفت ، شناخت ویژگی های ساختاری اقتصاد ایران و پیوند یک سویه و غیر متقارن آن با اقتصاد جهانی از طریق نفت و در آمد های نفتی بسیار ضروری است . (۱۱) تحولات آینده اقتصاد ایران در راستای ایجاد اشتغال مولد ، تولید انبوه کالاها و خدمات و افزایش توان و امکانات صادرات غیر نفتی بدون درک و فهم واقعیت ها و شرایط کنونی آن از دیدگاه ساختاری - سیاسی ممکن نیست . (۲)

در اقتصاد ایران در سالهای اخیر ، سهم صادرات نفت از کل صادرات بین ۶۵ تا ۷۵٪ و سهم آن در تولید ناخالص داخلی بین ۱۲ تا ۱۵٪ بوده است . همچنین صادرات نفت منبع اصلی تامین ارز برای واردات بوده است . (۱۲) علاوه بر این بخش مهمی از هزینه های دولت با صادرات نفت تامین می شود . (بیش از ۶۰٪) بنابراین برخی از متغیر های مهم اقتصادی مانند واردات ، هزینه های مصرفی دولت ، سرمایه گذاری دولتی و خصوصی ، نرخ ارز و ... متاثر از صادرات نفت هستند . (۳) امروز دیگر برای هیچ کس تردیدی وجود ندارد که

نفت طی یکصد سال گذشته، نبض اقتصاد جهانی را در دستان خویش گرفته است. ارتباط همین نفت و اقتصاد جهانی به گونه ای پیچیده بوده است که با هر کم و زیاد شدن قیمت های نفت شوک های سنگینی به اقتصاد بین الملل تحمیل شده است. (۵)

ایران نیز به واسطه ذخایر غنی نفت خود طی چند دهه گذشته، در کانون توجهات قرار داشته است. طی این مدت تحولات و رویدادهای بسیاری در عرصه سیاسی ایران تحت تاثیر این طلای سیاه و بدبو رخ داده است. (۱۶) از دیگر مقوله های مرتبط با نفت که همواره مورد توجه بوده و اخیرا به برخی از جنبه های آن، نگاه پررنگ تری می شود، پدیده ای چون نقش نفت در افزایش توجه استعمارگران نسبت به کشورهای نفت خیز و نگاه توسعه یافتگی و عدم توسعه یافتگی این کشورها و تغییر و تحولات بنیادی که در نظام بین الملل رخ داده را نیز دربرمی گیرد. (۱۵) رشد تصاعدی قیمت های نفت در فاصله زمانی سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ موقعیت ارزی بسیاری از کشورهای واردکننده نفت (چه فقیر و چه غنی) را متزلزل کرد. به علاوه افزایش فشارهای تورم زای جهانی رشد سریع جمعیت در جهان سوم نسبت به تولید، تقاضا برای افزایش دستمزد و توسعه برنامه های اجتماعی را با شکست مواجه کرد. (۶)

بسیاری بر این باورند که نفت، عاملی تاثیرگذار در توجه کشورهای استعمارگر به کشورهای نفت خیز شده و این ماده خام به منظور دستیابی و بهره برداری از آن در قالب های گوناگونی مانند سرمایه گذاری صرف جهت استخراج و بهره برداری از مواد خام در کشورهای هدف، از طرف دیگر به عینیت رسیدن سایر جنبه های عملکرد امپریالیستی کشورهای استعمارگر همیشه عاملی جهت توجیه افکار نظریه پردازان امپریالیسم بوده است. (۱۴)

یقینا نمی توان تمایلات استعمارگرانه را در عقب ماندگی کشورها بی تاثیر دانست و بی شک نمی توان از اهمیت مواد خام مخصوصا نفت برای کشورهای توسعه یافته غافل بود و از این رو است که ایران به عنوان

کشوری نفت خیز همواره مورد طمع دو استعمارگر بزرگ یعنی انگلیس و روسیه در جهت دستیابی به منابع سرشار نفتی خود بوده است. (۱۶) چه بسیار تحولات سیاسی رخ داده در ایران، حتی جابه جایی مقامات کلیدی دولت ها در ایران، تحت تاثیر این رویدادها نقش غیرقابل انکاری در وابسته تر شدن تحولات سیاسی ایران به مداخله خارجی ایفا کرده است. اما این همه ماجرا نیست. (۱۵)

چه بسیار کشورهای غیرنفت خیزی که شاهد سنگین ترین برخوردهای استعمارگرانه بوده اند و اتفاقاً امروز در زمره کشورهای توسعه یافته و دموکراتیک قلمداد می شوند، مانند هندوستان. ضمن اینکه توجه و نگاه دولت های استعمارگر به ایران به مدت ها پیش از حیاتی شدن نقش نفت در اقتصاد جهانی بازمی گردد. به طور کلی استعمار همزمان با روی کار آمدن سلسله قاجار و حتی شاید بتوان گفت از زمان صفویه توجه خود را به کشور ما معطوف کرده است. (۷)

ضمن اینکه کشور ما که اینک بعد از پیروزی انقلاب اصولاً کشوری مستقل به حساب می آید، چرا در جرگه کشورهای توسعه یافته و دموکراتیک قرار نگرفته است؟ حتی در اواخر رژیم گذشته نیز به دلیل افزایش قیمت نفت نه تنها به وابستگی سران رژیم در تصمیم گیری های مهم به خارج افزوده نشد، بلکه این افزایش چشمگیر درآمد نفتی موجب اتخاذ رویه مستقل تر در سیاستگذاری های سران رژیم قبلی شد. (۸)

حوادثی چون اعطای امتیاز نفت شمال و گره خوردن آن با بحران فرقه دموکرات آذربایجان و مهم تر از همه بحث ملی شدن نفت و تبعات ناشی از آن به خصوص کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ همگی تاثیرات ژرفی در عرصه سیاسی ایران نهاد و هیچ کس نمی تواند به راحتی از آنها چشم پوشی کند. (۱)

اما آنچه در اینجا حائز اهمیت است، حجم بالای وابستگی دولت به درآمد نفتی است که از اوایل دهه ۴۰ شاهد خودنمایی آن بوده ایم.



تا اینکه در اواسط دهه ۵۰ به نقطه اوج خود رسید و تاثیر عمیقی در ساختارهای سیاسی و تصمیم سازی، علی الخصوص فرهنگ توسعه ایران گذاشت. اگر چه در سال های پایانی زمامداری محمدرضا شاه، شاهد توسعه چشمگیری در بهداشت، درمان، آموزش، دانشگاه ها، گسترش شهرنشینی و اشتیاق به نظامی گری در سران مملکت بودیم، لکن شاهد هیچ اراده و حرکتی در جهت تغییر مناسبات سیاسی مابین دولت و ملت نبوده ایم و اگر حرکتی هم بوده جهت افزایش تمرکز و اقتدار دولت مرکزی و سرکوب هر نوع فعالیت آزادیخواهانه و مشارکت جویانه بوده است. (۸)

در نتیجه این توسعه ناهمگون و ناپایدار بود که صحنه سیاسی اجتماعی ایران را ناگزیر از پذیرا شدن و تن دادن به انقلاب کرد، تا بلکه از این تناقض و ناهمگنی رهایی یافته و راهی جدید پیش روی ایرانیان قرار دهد. هرچه درآمد دولت به نفت وابسته تر شود، کارکردهای دولت در اقتصاد گسترده تر و مجال برای تنفس بخش خصوصی کمتر می شود. فرهنگ سیاسی جامعه ایران از این مساله تاثیر بسزایی پذیرفته است. (۱۰)

اتکای صرف دولت به منابع رانتی ناشی از فروش نفت، موجب افزایش دستگاه بوروکراسی دولت شده و میل مدیران دولتی را به افزایش دستگاه های عریض و طویل زیرمجموعه خود افزایش می دهد (۱۷)، به طوری که فرهنگ خاصی بین مدیران دولتی در ایران رایج است و آن مقاومت شدید در برابر واگذاری دستگاه های زیرمجموعه خود به بخش خصوصی است، که این خود ناشی از عدم تمایل آنها به کاهش اختیارات خود است. (۱۴) از عوارض عمده دولت عریض و طویل می توان به فلج شدن قدرت خلاقیت منابع انسانی جامعه که در حقیقت مهم ترین رکن توسعه ای پایدار در هر جامعه است، اشاره کرد. (۹)

در دولت عریض و طویل و خودمختار، بخش خصوصی مجالی برای رشد و شکوفایی نداشته و همیشه در سیطره دولت بوده و توان هیچ گونه حرکت منسجم و مستقلی در برابر منویات دولت ندارد. اصولاً فرهنگ سیاسی ایران طی چند دهه اخیر تحت تاثیر مولفه های فوق الذکر بوده و عمده ترین مشخصات آن را می

توان در نهادینه نبودن سیستم و هارمونی در تصمیم سازی های کلان، تقدم منافع شخصی بر منافع ملی در بین کنشگران عرصه سیاست، غلبه احساسات بر منطق به دلیل فقدان نهادهای حد واسط بین دولت و مردم و به تبع آنها عدم پاسخگویی نهادهای مسوول در قبال خواسته ها و پرسش ها به دلیل فقدان ساختارهای نظارت کننده قوی، بالارفتن قدرت برخورد با مخالفان از طرف حکومت به دلیل خالی بودن میدان از رقیب و تمایل افراد جامعه به نوعی وابستگی به دولت دید، چراکه همه نوع خیر و سعادت و سود منفعت در وابستگی به دولت است. (۱۵، ۱، ۵)

## رانت نفتی

هرچند درباره مفهوم رانت تعریف چندان واحدی میان اقتصاددانان و سیاستمداران وجود ندارد اما رانت نفتی را از لحاظ اقتصادی اختلاف بین قیمت‌های نفت بازار و همچنین اختلاف بین هزینه های تولید نفت تعریف شده است. (۲) با پیدایش نفت و استخراج آن در حجم انبوه رانت نفتی رانت نفتی اولویت یافت. رانت نفتی ( بهره مالکانه ناشی از درآمدهای نفتی) در راس درآمدهای دولت قرار دارد که دولت به هر نحوی که اراده کرده این رانت را به هر بخش و یا قشری از جامعه و یا هر یک از بخشهای اقتصادی دولتی و یا غیر دولتی میتواند توزیع کند و سایر منابع و رانت هایی که در جامعه وجود دارد تحت تاثیر قرار داده است (۱۹) و از لحاظ اقتصادی سرمایه گذاری در سایر بخشهای اقتصادی را نامطمئن می سازد. زیرا که متغیر مستقل نفت ( درآمد های نفتی) تمام بخشهای اقتصادی را تحت تاثیر قرار می دهد. (۱۸)

## عوامل کاهش قیمت نفت

بدون شک کاهش قیمت نفت معلول عوامل و دلایل مختلف و زنجیر واری است و از طرف دیگر خود، به عنوان عاملی تاثیرگذار در فعل و انفعالات اقتصادی کشورهای صادر کننده تلقی می گردد. (۳) از آنجا که کشور ما دومین تولید کننده اوپک میباشد و پیش از ۵۰ درصد بودجه کشور به این ماده وابسته است، هرگونه کاهش قیمت تبعاتی بر اقتصاد ما دارد. (۱) اما برخی از مهمترین علل کاهش قیمت آن را میتوان به صورت ذیل احصاء کرد:

### الف- عوامل بنیادی،

اقدامات صرفه جویانه مانند تمایل به استفاده از منابع جایگزین و تجدیدپذیر ، عرضه زیاد و تقاضای کم تحت تأثیر رکود اقتصادی ؛ تغییر یا تصحیح الگوی مصرف. (۱۷)

### ب- عوامل مالی ،

خروج پول از بورس بازی نفت ؛ افزایش یا کاهش قیمت دلار در برابر بقیه ارزهای جهانی ؛ وقوع بحران مالی در اقتصاد امریکا و بروز رکود؛ (۱۱)

به سبب درهم تنیدگی اقتصاد کشورها، به سرعت به سایر مناطق جهان سرایت کرد با توجه به اینکه کشور آمریکا ۲۵ درصد تولید جهانی را در اختیار دارد و بزرگترین مصرف کننده نفت خام در دنیاست، کاهش تقاضا برای این کالا در نتیجه وقوع بحران مالی و بروز رکود در آمریکا تاثیر چشمگیری در کاهش قیمت آن داشته است. (۱)

## ج- عامل انتظاری یا روانشناختی

کاهش مناقشات سیاسی در مناطق نفت خیز؛ فشارهای سیاسی؛ کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا به اعضای اوپک برای افزایش سطح تولید؛ (۱۶) استفاده از ذخیره های استراتژیک توسط کشورهای مصرف کننده؛ پیش بینی وضع اقتصاد جهانی در آینده یا بیم و امید های بازار؛ ناهماهنگی بین اعضای اوپک و خارج از اوپک. (۴)

تنها ۴۰ درصد تولید نفت در دست اعضای اوپک است. روسیه که بزرگترین تولیدکننده غیر عضو است، حاضر نمی شود براحتی بازارهایش را از دست بدهد. آمریکا و انگلیس و مکزیک هم فرصت را برای تاختن به بازارهای اوپک هموار میبینند. لذا همراهی های خوبی با اوپک ندارند. (۱۰)

## تبعات کاهش قیمت نفت بر اقتصاد ایران

بخش عمده ای از درآمد دولت از درآمدهای نفتی تامین می شود، ارزش درآمد نفت در سال های پر رونق به طور میانگین ۸۰ درصد کل درآمد ارزی ایران را تشکیل می دهد بنابراین کاهش قیمت نفت درآمدهای دولت را به شدت کاهش می دهد (۱۹) و از این طریق پروژه های عمرانی که به طور مستقیم از محل درآمدهای نفتی تامین اعتبار می شوند، را به شدت تحت تاثیر قرار خواهد داد. (۳) مقایسه میزان وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی با سایر کشورهای مهم تولید کننده نفت در دنیا هم نشان می دهد ایران از وابستگی بیشتری برخوردار است. (۹) بر اساس شاخص های مقایسه ای، وضعیت وابستگی ایران به نفت، کمی بهتر از ونزوئلا

**این فایل فقط برای مشاهده می باشد . برای خرید فایل ورد این تحقیق و مقاله با قیمت فقط سه هزار تومان به سایت  
فروشگاهی آسمان مراجعه نمایید.**

است اما با کشورهای دیگری چون امارات متحده عربی، قطر، کویت و عربستان فاصله زیادی دارد. بر این اساس برخی از اعضای اوپک مانند عربستان حتی با وجود قیمت های نسبتا پایین نفت، می توانند به رشد اقتصادی خود ادامه دهند. زیرا از حجم عظیمی از ذخایر ارزی برخوردارند. اما ایران با توجه به حجم عظیم طرح های عمرانی پیش بینی شده در برنامه ها به قیمت های بالاتری برای پیشبرد روند اقتصادی خود نیازمند است. (۱۶)

کسری بودجه؛ عدم کنترل نرخ ارز و افت ذخایر ارزی خارجی برای واردات کالاهای اساسی، مواد اولیه و کالاهای واسطه ای و سرمایه ای، کاهش ارزش پول ملی، از دیگر تبعات کاهش جهانی قیمت نفت است که بر اقتصاد کشورمان موثر میباشد که این مسأله کشور را که به صورت ساختاری دارای تورم است دچار بیکاری و بیماری خطرناک «تورم توأم با رکود» می کند. (۱۵)

### **دلایل افزایش قیمت نفت**

کاهش عرضه در مقابل تقاضا؛ ناکافی بودن پالایشگاه های موجود در کشورهای صنعتی جهان (۵)؛ هزینه بر و زمان بر بودن فعل و انفعالات صنعت؛ سیاست صادر کنندگان نفت اوپک؛ (۱۰) عدم سرمایه گذاری بحران های سیاسی (تهدید، تحریم ها و جنگ) (۱۵)؛ نگرانی از کمبود نفت (کاهش سالانه سه درصدی ذخایر نفت)؛ کاهش ارزش دلار. (۱۴)

## تبعات افزایش قیمت نفت

در مورد تبعات افزایش قیمت نفت در جهان اختلاف نظرهای زیادی بین تحلیلگران وجود دارد. بسیاری بر این باورند که افزایش قیمت نفت نه تنها مصرف‌کنندگان را با فشار مالی مواجه می‌کند بلکه به اقتصاد تولیدکنندگان نیز آسیب وارد می‌آورد (۶) چرا که درآمدهای نفت کشورهای تولیدکننده با یک چرخش مجدداً به کشورهای مصرف‌کننده بازگشت می‌کند و واقعیت این است که این درآمد یا از طریق واردات گران‌تر به کشورهای صنعتی باز می‌گردد، (۱۴) یا همچون غالب کشورهای صادرکننده نفت به دلیل اینکه ظرفیت جذب این حجم از درآمدهای ارزی را ندارند، به ناچار این درآمدها را در بانک‌های بزرگ بین‌المللی که در کشورهای مصرف‌کننده واقع شده‌اند، سپرده‌گذاری می‌کنند که عایدی آن‌ها از این درآمدها فقط بهره ۳ تا ۵ درصدی سالیانه می‌شود. (۱۲)

یکی دیگر از دلایلی که می‌توان از آن به عنوان تاثیر مخرب رشد قیمت نفت روش اقتصاد کشورهای صادرکننده نام برد این است که اغلب کشورهای صادرکننده نفت پالایشگاه‌های تصفیه نفت و تولید فرآورده‌های نفتی ندارند. (۷) آنها نفت خام را به کشورهای صنعتی می‌فروشند و فرآورده‌های نفتی را از آنها می‌خرند. در شرایطی که قیمت نفت بیشتر می‌شود هزینه تولید فرآورده‌ها نیز ارتقا می‌یابد و همین مساله سبب می‌شود تا این کشورها که واردکننده فرآورده‌های نفتی هستند نه تنها سود نبرند بلکه تا اندازه‌ای متضرر شوند. (۱۳)

از آنجا که درآمدهای نفتی حاصل عملکرد فعالیت بخش‌های اقتصادی نبوده، بنابراین افزایش آنها نشان دهنده رونق واقعی اقتصاد نیست، بنابراین افزایش این درآمدها و تزریق آنها به جامعه به سرعت به افزایش قیمت‌ها منجر می‌شود و زمینه را برای افزایش قیمت انواع کالاهای صنعتی و مصرفی فراهم می‌کند. (۸) افزایش ناگهانی قیمت نفت در کوتاه مدت سبب افزایش درآمدهای دولت می‌شود. قیمت‌های بالای نفت می‌تواند

موجب کاهش رشد اقتصادی و افزایش تورم شود. کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت را می توان در صدر متضررین ناشی از افزایش قیمت نفت قرار داد این مسئله فقط محدود به افزایش تورم در این کشورها نمی شود بلکه وضعیت مالی خارجی خصوصاً بدهی ها بغرنج تر می شود. (۸)

به این ترتیب، با وجود افزایش درآمد کشورهای صادرکننده نفت و افزایش دارایی های ارزی این کشورها، به نظر می رسد کشورهای صنعتی و مصرف کننده نفت بهره بیشتری از این افزایش قیمت خواهند برد. (۱)

- اهمیت سهم نفت در اقتصاد ملی و نقش آن در فرآیند توسعه کشور
- نفت و بودجه عمومی دولت .
- نفت ، درآمد های ارزی و تجارت خارجی .
- تامین انرژی داخلی و تاثیر آن بر الگوی زندگی و پیشرفت صنعتی . (۱۹)
- نفت ، مزیت نسبی فعالیت های اقتصادی - صنعتی همراه با آسیب پذیری .
- تقابل مصرف انرژی (نفت و گاز) با درآمد های صادراتی آینده از طریق بخش نفت و ضرورت جایگزینی آن با دیگر تولیدات داخلی . (۱۰)

## اقتصاد متکی به نفت و درآمد های نفتی (ویژگی های عمومی)

اقتصاد ایران به رغم دستاوردهای تولیدی و خدماتی خود در طول ۵۰ سال برنامه ریزی توسعه هنوز به منابع و درآمد های نفتی متکی است و از این رو مراحل رونق و بحران آن تابعی از وضعیت بازار نفت و قیمت های آن است. (۲) ویژگی های اساسی این اقتصاد عبارتند از:

- بی توجهی به ضرورت جایگزینی درآمد های نفتی در دوران میان مدت و بلند مدت و گرایش به استفاده از فرصت های کوتاه مدت. (۱۸)
  - مالکیت دولت بر منابع نفتی و درآمد های آن و اثرات آن بر شاخص های کلان اقتصادی و فعالیت های بخش عمومی در اقتصاد ملی.
  - گرایش به دولتی کردن فعالیت ها و تضعیف موقعیت بخش خصوصی. (۹)
- گسترش طبیعی فعالیت های تجاری و گرایش سرمایه ها به سوی فعالیت های پر بازده پولی و کوتاه مدت بازرگانی - خدماتی (واسطه گری) در قیاس با فعالیت های تولیدی بلند مدت که به تلاش، تخصص حرفه ای و اقدامات آینده نگر مالی و مدیریتی نیازمند است. (۳)
- تاثیر نوسان ها و افت و خیز قیمت های صادراتی نفت خام بر برنامه ها، طرح ها و فعالیت های اقتصاد کشور و حرکت های دوگانه در شرایط وجود درآمد های اضافی یا کمبود منابع مالی. (۱۷)
- ایجاد ناپایداری اقتصادی و سیاسی در کشور نفت خیز، آسیب پذیری آن و امکان دخالت های بیشتر کشور های صنعتی مصرف کننده و خریدار نفت در امور داخلی (اقتصادی - بازرگانی) و خارجی (امنیت منطقه ای و روابط با همسایگان) (۱۱)
- مزایای استفاده بهینه از منابع و در آمد های نفتی با صرفه جویی و برنامه ریزی در راستای برپایی اقتصاد تولیدی - خدماتی پیشرفته با تکیه بر بخش های صنعتی و کشاورزی مدرن با بازدهی فزاینده. (۱۶)



**این فایل فقط برای مشاهده می باشد . برای خرید فایل ورد این تحقیق و مقاله با قیمت فقط سه هزار تومان به سایت فروشگاهی آسمان مراجعه نمائید.**

استراتژی قطع وابستگی به نفت با گسترش بخش های مولد در اقتصاد ملی ، تکیه بر صنعتی شدن و رشد صادرات صنعتی پیوند اساسی دارد . از این دیدگاه ایران هنوز تا دو دهه دیگر فرصت دارد از منابع نفتی خود استفاده کند . (۴)

### **تاثیر و رابطه نفت، ثروت و قدرت در ساخت قدرت در ایران**

پنجم خرداد ۱۲۸۷ برای اولین بار در ایران، در مسجد سلیمان، نفت کشف شد. این کشف در پی واگذاری امتیاز استخراج و بهره‌برداری از نفت به «ویلیام نکس داری» انگلیسی انجام شد. شرکت تحت فرمان «ویلیام داری» پس از ۵ سال جستجو از چاهی در مسجد سلیمان از شهرهای استان خوزستان، نفت کشف کرد. به این ترتیب صنعتی آغاز شد که طی دو جنگ، نیروی دریایی انگلستان را نجات داد ولی برای ایرانیان زحمتی ایجاد کرد که از مجموع مزاحمت‌های سیاسی دولت‌های بزرگ بیشتر بود(۵)

باید بینیم رابطه نفت، ثروت و قدرت و سپس این رابطه را در یکصد سال گذشته در ایران چگونه بوده است و نفت از چه موقع در ایران به این زنجیره حیات انسانی و اجتماعی ما وارد شده است و این ورود، طی صد سال گذشته، چه فرصت‌ها و تهدیدهایی را ایجاد کرده است؛ ساختار و نظام جامعه ما را کجاها با آسیب مواجه کرده و کجاها برایش نقطه قوت شده است . (۶)

برای درک بهتر خود این زنجیره، آن را تحت عنوان معرفت صنعت، ثروت، قدرت و امنیت قرار می دهیم توانایی هایی که انسان برای کسب معرفت نسبت به موضوعات و موجودات دارد و توانایی اش برای تبدیل این یافته ها به ابزار و روش. انواع صنایع، در معنای گسترده آن برای فعالیت هایی شکل می گیرند که نمود بیرونی دارند. این صنعت و فعالیت، منشأ و مولد اصلی ثروت است. این ثروت که به شکل سرمایه و کالا، رافع

بسیاری از نیازها و خواسته های انسان است . ثروت همواره در طول تاریخ یکی از مولفه های اصلی و اساسی قدرت بوده است. قدرت، مطلوب غایی و نهایی است و نهایتاً خود ابزاری است برای تامین امنیت. امنیت نیز یکی از عالی ترین خواسته ها و ارزش های انسانی و اجتماعی است.(۹)

در دنیای غرب، معرفت از قرن های ۱۷ و ۱۸، معرفتی شد که موضوعش بیشتر ماده و روشش تجربه شد و محصولش هم این صنعت و فناوری است که بیشتر به تولید ثروت مادی انجامیده است. سپس قدرت و امنیت هم در ارتباط با این مولفه، معنای خاصی پیدا کرد. در دوره یی، در پی معرفت غربی که موضوعش ماده و طبیعت و متدش تجربه است، نفت وارد الگوی مصرف غرب شد و از نیمه قرن نوزدهم و با اکتشاف و استخراج نفت کم کم جایگاهی ویژه یافت.(۸) این امر در واقع محصول معرفت غربی بود؛ ضمن اینکه محصول همان فناوری برخاسته از معرفت علمی هم بود. این معرفت و در پی آن نفت، وارد چرخه حیات غرب شد و نقش بسیار مهمی را در تمدن غرب ایفا کرد یعنی معرفت فیزیک، معرفت شیمی، زمین شناسی، همگی کمک کردند که این ماده را از دل زمین بیرون آورند و تجزیه اش کنند و با آن، صنعت نفت را شکل دهند. بنابراین صنعت نفت محصول همان معرفت غربی است. ضمن اینکه پیشرفت های صنعتی در همه ابعاد، به پیشرفت تولید و استخراج نفت و روش انتقال و پالایش آن کمک کرد.(۱۲)

بنابراین یک منشاء استعمار از ابتدای قرن بیستم و امپریالیسم قدرت جهانی، جست وجو برای نفت است. ایران هم یکدفعه در این شرایط وارد دایره جدید این منافع غرب می شود. اینجاست که نفت ایران را می توان محصول معرفت غربی دانست که با صنعت غربی در ایران کشف شد. معرفت و صنعت غربی در ایران این نفت را از زیر زمین بیرون می کشد، بخشی از آن را به عنوان حق الامتیاز به دولت می دهد که بخش اندکی هم هست و چرخه ثروتی برای دستگاه حاکمه تولید می کند.(۱)

طی این دوره به سمت مدرن شدن، یعنی افزایش حجم بوروکراتیک آن، افزایش خدمات اجتماعی، افزایش نقش مدیریتی در سیاستگذاری های عمومی ارکان جامعه و افزایش نقش در عرصه روابط بین الملل و سیاست خارجی پیش می رود؛ در واقع به کارکردهای دولت افزوده می شود و عملاً دولت در حال بسیط تر شدن است که اوج آن را در آستانه انقلاب می بینیم؛ میراثی که برای ساختار دولت پس از انقلاب نیز باقی ماند. اگر دولت و نظام ایران را تشبیه به یک سیستم کنیم، در طول صد سال گذشته این سیستم یک پایه، ستون یا ورودی داشته است. (۷) به این معنا، درآمد نفت در طول این صد سال، چهار نقش را ایفا می کرده است. از جمله نقش های آن :

- تامین ارز،
- تامین سوخت برای صنعت، (۱۹)
- تامین اشتغال در کشور،
- سرانجام فرآورده های گسترده پتروشیمی (۱۵)

ماشین ایران که آرام آرام سیر تاریخی خودش را طی می کرده است، یکباره با استفاده از قلاب نفت، در توفان جهانی شدن کشیده می شود؛ این، هم فرصت است و هم تهدید. در اینجا باید چهار کارکردی را که نفت طی یکصد سال اخیر ایفا کرده است، بررسی کنیم. اولین کارکردش، تزریق ارز است. که خود به دو صورت در اشتغال نقش داشته است (۳)

همین الان هم اشتغال مستقیم نفت حدود ۱۵۰ هزار نفر است، در مقابل ۱۷ میلیون نیروی کار که کمتر از یک درصد آن را تشکیل می دهد. بنابراین صنعتی که اینقدر برای ما مهم است در جامعه جوانی که دائماً احتیاج به اشتغال دارد، فرصت اشتغال مستقیم کمی را فراهم کرده، ولی اشتغال غیرمستقیمی ایجاد کرده

است یعنی همان ارزی که در این سال ها به حدود ۷۰ تا ۸۰ میلیارد دلار رسیده است، همواره به انواع صنایع و خدمات تزریق می شود و هزاران شغل ایجاد می کند. (۵) کشاورزی، صنعت و خدمات وابسته به نفت است، اگر ارز نفت قطع شود، یکباره تا حد زیادی از اشتغال کم می شود. آخرین نقشی که نفت در دهه های اخیر ایفا کرده است، بحث پتروشیمی است در اوایل انقلاب، با تزریق نفت و گاز نیم میلیون تن فرآورده های پتروشیمی تولید می شد و امروز به رقمی بیش از ۲۰ میلیون تن رسیده است. (۸) بنابراین با توجه به چهار نقشی که نفت ایفا کرده است در دوره های مختلف، اقتصاد ما مبتنی بر نفت بوده و به یک اقتصاد دولتی نفتی تبدیل شده است؛ اقتصادی تک پایه. این اقتصاد دولتی نفتی مهم ترین مولفه قدرت ما هم بوده است. (۱)

یکی از شاخصه های قدرت، قدرت نظامی است. حالا ببینیم نفت چگونه تبدیل به مولفه نظامی و نظامی گری در ایران شده است. تا قبل از انقلاب درآمدهای نفتی مهم ترین منبع برای تاسیس ارتش جدید و توسعه و تجهیز آن بوده است. تاسیس ارتش جدید توسط سردار سپه رضاخان که متشکل از پلیس جنوب، نیروی قزاق و نیروی عشایری بود، عمدتاً با یک میلیون لیره بی بود که ایران مدعی بود از فاصله جنگ اول به عنوان مطالبات از شرکت نفت انگلیس دریافت داشته است. (۳)

شرکت نفت انگلیس در تادیه بدهی هایش تاخیر می کند تا زمانی که رضاشاه به عنوان صدراعظم به قدرت می رسد و در آن دوره، یک میلیون لیره را می دهند. این پول در ایران، نطفه ارتش جدید اعم از پادگان، مسلسل، یونیفورم و کارهای دیگر می شود. بنابراین تاسیس ارتش جدیدی که به صورت جزئی از نهادهای جدید در کارنامه رضاشاه آمده است، با این یک میلیون لیره شرکت نفت انگلیس صورت می گیرد. این امر در واقع با هدف تقویت قدرت نظامی که باز مهم ترین ماموریتش حفظ همان نفت و چاه های جنوب بود، صورت گرفت. یکی از کارکردهای ارتش نوین و دولت مدرن، تامین منافع نفتی بود. (۱۳)

این امر، بعد از کودتای ۲۸ مرداد هم ادامه پیدا کرد و همواره بخش عظیمی از درآمد نفتی صرف خرید و توسعه تجهیزات ارتش می شد. یکی از ماموریت های ارتش هم دفاع از زاگرس در برابر هجوم روس بود و ارتش هم بیشتر در زاگرس مستقر بودند، چون در پایین زاگرس، نفت دشت های خوزستان وجود داشت و بعدها هم در برابر تهدید اعراب از آنها حمایت می کردند.(۹)

بنابراین قبل از انقلاب، نفت نقش اول را در ساختار قدرت ایفا می کرد. منتها محمدرضا شاه بعد از انقلاب سفید و سرکوب قیام ۱۵ خرداد و جنبش اجتماعی سال ۱۳۴۲ و نهایتاً تبعید امام خمینی (ره)، از طریق برنامه انقلاب سفید اصلاحاتی را که مدعی است با یک دگرگونی در ساخت اجتماعی همراه خواهد بود، انجام می دهد و بدین ترتیب بخشی از درآمد نفت وارد اقتصاد می شود که با توسعه اشتغال غیرمستقیم و با تزریق نفت برای واردات بیشتر به خصوص کالاهای مصرفی و ایجاد یک اقتصاد مصرفی و کالاهای مونتاژی، هم اشتغال بیشتری ایجاد می کند و هم بخشی از نیازهای مردم را تامین و یک مقداری نرم افزاری تر برخورد می کند و اقتصادی مصرفی شکل می گیرد که در آن مقداری اشتغال است و مقداری هم معیشت. (۱۱) اما سوءطراحی و سوءاجرا و سوءاستفاده از آن در درازمدت باعث می شود که نفت کارکرد خود را از دست بدهد و در نتیجه منجر به کاهش رضایت عمومی شد همزمان با آنکه شاه با قدرت ارتش و ساواک می خواست نخبگان اقلیت ناراضی را کنترل کند و رضامندی توده ها را جذب کند، از لحاظ سیاسی و فرهنگی دو اقدام دیگر نیز صورت داد؛ نخست از لحاظ فرهنگی چون همواره نگران مشروعیت خود بود، یعنی مشروعیت و مقبولیتی که در ۲۸ مرداد به شدت آسیب دید و شاه نفت ایران را داد تا تاج و تخت خودش را نگاه دارد و ایران را شدیدتر زیر نفوذ امریکا برد . بنابراین به شدت مقبولیت عمومی اش کم شد بنابراین خود این هسته و پایه شروع به فاسد شدن کرد.(۶)

چیزی که می توانست باعث پیشرفت شود، به دلیل مدیریت نشدن، مایه تهدید شد. امام و انقلابیان هم در دقیقه ۹۰ با کنترل اعتصابات نفت، آخرین ضربه انقلاب را به همین پایه زدند؛ چون پایه ضعیف بود، فاسد شده بود، امواج انقلاب هم به این پایه خورد و نظام شاهنشاهی سقوط کرد. اینجاست که متوجه می شویم نفت چه نقش اساسی در قدرت داشته است. (۴)

### تغییر ساختار اقتصاد وابسته به نفت ، راهی به سوی صنعتی شدن

- ترکیب بخش اشتغال ، تولید و صادرات کارایی ایران (وضعیت موجود : جنبه های مثبت و منفی)
- بخش نفت ؛ امکانات تولیدی و صادراتی و درآمد زایی آن در دو دهه آینده . (۱۸)
- انتخاب استراتژی تغییر ساختار اقتصادی و بازرگانی با تکیه بر بخش های پیشرفته مولد در آمد .
- چشم اندازی از برنامه های آینده توسعه با تکیه بر تولیدات داخلی و گسترش تجارت خارجی . (۱۴)

### توسعه اقتصادی آینده و جهت گیری های مصرف انرژی و درآمد های نفتی

- افزایش سرمایه گذاری در کل اقتصاد و در بخش انرژی .
- تحول فن آوری در بخش های اقتصادی و از جمله بخش گاز و نفت .
- تغییر دیدگاه ها در توسعه ، مدیریت منابع و سازماندهی تولید برای دستیابی به اهداف بلند مدت صادراتی . (۱۶ ، ۱۹)

## چالش اقتصاد نفتی

طی صد سال اخیر، بیش از هزار میلیارد دلار درآمد نفتی نصیب کشور گردیده، لکن به دلیل عدم استفاده صحیح از این ثروت ملی، موجبات بروز اختلال در اقتصاد ایران فراهم شده است؛ به طوری که علی‌رغم وجود ثروت عظیم حاصل از نفت، همچنان بیکاری و تورم موجود در جامعه از مشکلات اصلی دولتمردان است. اکثر مشکلات ایجادشده از ناحیه‌ی نفت در اقتصاد ایران، به دو حوزه‌ی مدیریت درآمدهای حاصل از آن و خام‌فروشی نفت به جای فراوری آن برمی‌گردد. (۱۵)

تا سال‌های انتهایی دهه‌ی هفتاد، مسئولین کشور تنها به خام‌فروشی نفت و تزریق درآمدهای آن به اقتصاد از طریق بودجه‌های سنواتی می‌پرداختند و تمهیداتی برای استفاده‌ی بهینه از درآمدهای نفتی جهت سرمایه‌گذاری (به جز بودجه‌ی عمرانی که بر تهیه‌ی زیرساخت‌ها تمرکز داشت) اتخاذ نکرده بودند؛ لکن در سال ۱۳۷۹ پس از کاهش قیمت نفت و به تبع آن درآمدهای نفتی، دولت وقت با عدم تحقق درآمدهای نفتی مواجه گردید. از این رو، برای جلوگیری از بروز چنین مشکلی، به فکر ذخیره‌سازی درآمدهای مازاد نفتی سال‌های رونق نفتی، جهت استفاده در سال‌های کمبود افتاد و حساب ذخیره‌ی ارزی را در قالب برنامه‌ی سوم توسعه افتتاح کرد و مازاد درآمدهای نفتی را بدان واریز نمود. (۱۲)

هدف از تأسیس حساب مذکور، مدیریت بهتر درآمدهای نفتی و ایجاد بستری مناسب برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی با استفاده از درآمدهای نفتی مازاد بود، لکن به دلیل متورم بودن بودجه‌ی سنواتی، دولت‌ها با برداشت از حساب ذخیره‌ی ارزی، دلارهای نفتی را به ریال تبدیل نمودند و عملاً تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد ملی همچون گذشته ادامه یافت. (۱۱)

طی برنامه‌ی پنجم توسعه، این ضعف شناسایی شد و برای ترمیم آن، حساب ذخیره‌ی ارزی به صندوق توسعه‌ی ملی مبدل گشت که در اساسنامه‌ی آن، امکان دخل و تصرف دولت را به حداقل رساند؛ اما به دلیل افزایش

بی سابقه‌ی قیمت نفت در دوره‌ی پس از افتتاح صندوق توسعه‌ی ملی و حجم بالای بودجه‌ی سنواتی، عملاً صندوق مذکور، تأثیر چندانی بر تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد ملی نداشته است. (۵)

در نتیجه چرخه‌ی صدساله‌ی تزریق درآمدهای نفتی در قالب بودجه‌ی سنواتی، افزایش نقدینگی از قبل تبدیل و تزریق دلارهای نفتی، افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات، شروع افزایش قیمت‌ها (موج اول) در اثر فشار تقاضا، افزایش واردات کالاها برای پاسخ‌گویی به تقاضا و جلوگیری از افزایش قیمت‌ها، عدم توان رقابت تولید ملی و افول آن، کاهش عرضه‌ی محصولات داخلی، موج دوم افزایش قیمت‌ها (تورم) در اثر همراه شدن فشار عرضه با فشار تقاضا، متورم شدن بودجه‌ی سنواتی و تزریق درآمدهای نفتی در قالب بودجه‌ی سنواتی به وقوع پیوسته است. (۱)

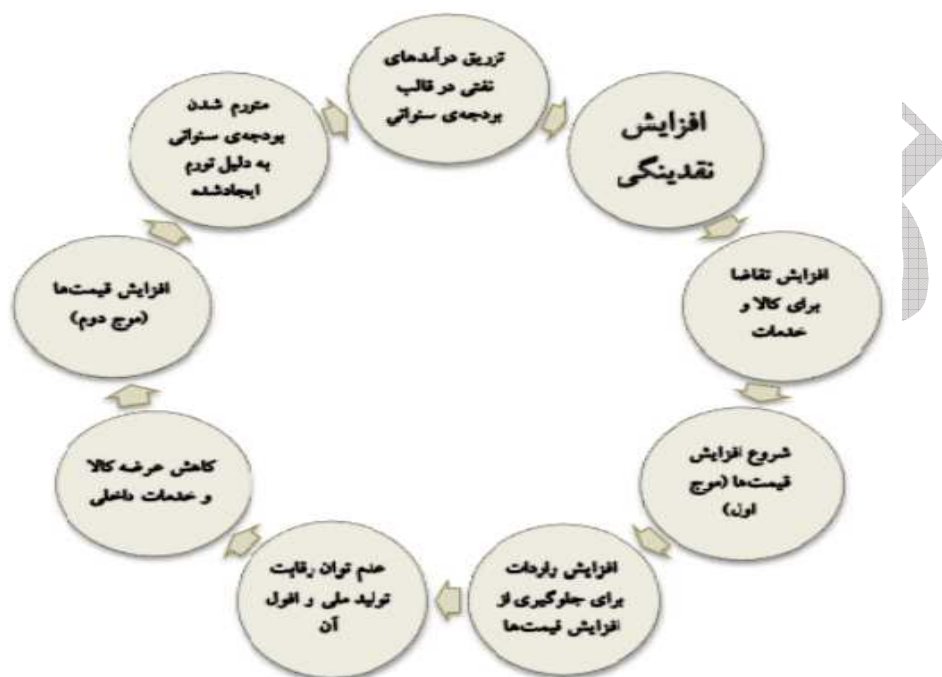
انتخاب بازه‌ی زمانی فوق به چهار جهت بوده است: اولاً قریب به چهل درصد درآمدهای نفتی کشور طی صد سال اخیر در این بازه به دست آمده است که فرصت طلایی را برای شکوفایی تولید ملی فراهم آورده بود. ثانیاً ثبات نسبی بر بازار ارز حاکم بوده و تغییری در نظام ارزی کشور به وجود نیامده است. ثالثاً قبل از اعمال تحریم‌های نفتی است که در صورت ساقط شدن تحریم‌ها، بیشترین قربت را با شرایط اقتصادی کشور خواهد داشت. رابعاً در آن تغییر دولت صورت نگرفته است که موجب تغییر رویه‌ها گردد. (۱۳)

مجموع درآمدهای نفتی در دوره‌ی مورد بررسی، ۴۰۴ هزار میلیارد تومان بوده که میزان ۳۰۵ هزار میلیارد تومان آن در قالب بودجه‌ی عمومی به اقتصاد ملی تزریق شده است. فرآیند تبدیل دلارهای نفتی به ریال جهت استفاده‌ی دولت، برعهده بانک مرکزی است. این امر موجب افزایش پایه‌ی پولی و همچنین ضریب فزاینده‌ی پولی می‌گردد؛ به گونه‌ای که حجم نقدینگی از ۹۲ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۸۴ به ۲۹۵ هزار میلیارد در سال ۱۳۸۹ رسیده که علت اصلی آن سیاست‌های انبساطی دولت است. (۲)



این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این تحقیق و مقاله با قیمت فقط سه هزار تومان به سایت فروشگاهی آسمان مراجعه نمایید.

شکل ۱: چرخه‌ی باطل تزریق درآمدهای نفتی در قالب بودجه‌ی سنواتی به اقتصاد ملی. چرخه‌ی مذکور در دوره‌ی ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۹ تأیید گردیده است. برقرار بوده است.



افزایش بودجه‌ی عمومی دولت و تزریق پول به جامعه، ایجاد قدرت خرید برای فعالان اقتصادی نموده و موجب افزایش تقاضا برای کالا و خدمات خواهد شد. افزایش قیمت‌ها (موج اول) معطوف به فشار تقاضا برای کالاها و خدمات است که در برهه‌ای کوتاه به بازار وارد می‌گردد. برای اثبات این موضوع، تورم ماهیانه‌ی شش ماه اول سال‌های مذکور مورد بررسی قرار گرفته و چنین نتیجه‌ای به دست آمده است که تورم ماهانه (دوازده‌ماهه منتهی به هر ماه) در شش ماه اول هر سال (به جز در سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ که تحت تأثیر انتخابات بوده است) همواره کمتر از تورم ماهانه‌ی شش ماه دوم سال بوده و دلیل آن پاسخ‌گویی به فشار تقاضا در شش‌ماهه‌ی نخست از طریق واردات است و فشار عرضه برای افزایش قیمت‌ها هنوز مشاهده نشده است. (۱۲)

**این فایل فقط برای مشاهده می باشد . برای خرید فایل ورد این تحقیق و مقاله با قیمت فقط سه هزار تومان به سایت  
فروشگاهی آسمان مراجعه نمایید.**

سریع‌ترین راه برای جواب‌گویی به افزایش تقاضا برای کالا و در نتیجه قیمت، استفاده از واردات است، زیرا تولید فرآیندی زمان‌بر است. از این رو، دولت برای جلوگیری از روند افزایش قیمت‌ها، اقدام به افزایش واردات می‌نماید. میزان واردات از ۳۵ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۸۴ به بیش از دوبرابر، یعنی ۷۵ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۸۹ رسیده است که مؤید چرخه‌ی مذکور است.

واردات همواره از جای ارزان‌تر به جای گران‌تر صورت می‌گیرد. بنابراین کشور پذیرنده‌ی کالا یا نمی‌تواند کالای وارداتی را تولید کند و یا با هزینه‌ی بیشتری تولید می‌کند که توان رقابت با کالای وارداتی را نخواهد داشت. (۴)

در ایران به جهت اتخاذ سیاست کنترل قیمت از طریق واردات، اکثر کالاهای تولیدی در داخل از خارج وارد شده و به دلیل عدم توان رقابت تولیدات داخلی، باعث کاهش تولیدات داخل و در بلندمدت تعطیلی واحدهای تولیدی می‌گردد. روند رشد اقتصادی در سال‌های اخیر، با وجود منابع مناسب (سرمایه و نیروی کار) جهت گسترش تولید ملی، نزولی بوده است؛ به طوری که از ۶/۹ درصد سال ۱۳۸۴ به ۰/۸ درصد در سال ۱۳۸۷ و ۳ درصد در سال ۱۳۸۸ رسیده است. متوسط نرخ رشد اقتصادی کشور به روایت بانک مرکزی، طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹، معادل ۴/۷ درصد بوده است که نسبت به هدف ۸ درصد رشد سالانه‌ی سند چشم‌انداز فاصله‌ی زیادی دارد. (۱۰)

هزینه‌های تولید به دو بخش هزینه‌های ثابت و متغیر تفکیک می‌گردد. در صورت کاهش میزان تولید، به دلیل ثابت بودن هزینه‌های ثابت، هزینه‌ی هر واحد تولیدی افزایش یافته و موجب افزایش هزینه‌های تولید می‌گردد. تولیدکننده برای ادامه‌ی تولید خود، مجبور به افزایش قیمت‌هاست که فشار عرضه برای افزایش تورم را به دنبال دارد. (۳)

موج دوم افزایش قیمت‌ها در اثر کاهش عرضه‌ی داخل و همراهی فشار عرضه با فشار تقاضا برای افزایش قیمت‌ها به وقوع می‌پیوندد که افزایش شدیدتر نرخ تورم در نیمه‌ی دوم سال‌های مورد بررسی را به همراه داشته است. یادآور می‌شود که نرخ رشد واردات با نرخ رشد تورم طی شش سال مورد نظر، رابطه‌ی مستقیم داشته است؛ یعنی هرگاه واردات رشد داشته، نرخ تورم نیز رشد نموده است و برعکس هرگاه واردات کنترل شده و کاهش یافته، نرخ تورم نیز کاهش یافته است. (۱۱)

با توجه به گستردگی دولت، تورم ایجادشده در جامعه خواه‌ناخواه خود را در بودجه‌های سنواتی نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که حجم بودجه‌ی سنواتی از ۱۵۹ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۸۴ به مبلغ ۳۶۸ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۸۹ رسیده است که نشان از متورم بودن بودجه‌ی سنواتی دارد، زیرا با وجود عدم رشد اقتصادی، افزایش بودجه‌ی کل نشان از عدم تخصیص منابع جهت گسترش تولید و صرف آن به عنوان مصارف عمومی دارد. (۹)

راه تأمین بودجه‌ی متورم دولت از درآمدهای نفتی می‌گذرد؛ به گونه‌ای که تعیین میزان درآمدهای نفتی دولت در بودجه‌ی سنواتی از مهم‌ترین بحث‌های مجلس شورای اسلامی برای تصویب لایحه‌ی بودجه است. در نتیجه، چرخه‌ی فوق مجدداً آغاز گردیده و مشکلات عمیق‌تر می‌گردد.

باید متذکر شد که چرخه‌ی فوق پس از اعمال تحریم‌های نفتی در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۹۰ با کندی مواجه شده، زیرا امکان تزریق درآمدهای نفتی به چرخه‌ی مذکور وجود نداشته است؛ اما به دلیل وابستگی بیش از حد اقتصاد ملی به درآمدهای نفتی، عملاً تولید ملی متوقف گردیده است؛ تا جایی که رشد اقتصادی سال ۱۳۹۱ را نزدیک به صفر و رشد اقتصادی سال جاری را منفی پیش‌بینی می‌کنند. مورد مذکور تصدیقی دیگر بر چرخه‌ی فوق است، ضمن اینکه فرصت مناسب ایجادشده از ناحیه‌ی تحریم نفتی می‌تواند نقطه‌ی عطفی در وارستگی از وابستگی به نفت باشد. (۱۳)

همان طور که در چرخه‌ی فوق مشاهده می‌گردد، عملاً افزایش درآمدهای نفتی به دلیل عدم مدیریت صحیح، به افزایش قیمت‌ها و متورم شدن بودجه‌ی سنواتی می‌انجامد که از مهم‌ترین عوامل عدم رونق تولید ملی به شمار می‌رود. لذا مشکل اصلی اقتصاد ایران ساختار نامناسب به‌کارگیری درآمدهای نفتی است. (۶)

## عملکرد دولت در رابطه با درآمدهای نفتی

دغدغه‌ی رهایی از نفت در تمامی دولت‌های پس از انقلاب وجود داشته است، لکن به گواه آمار و ارقام، هنوز بیش از ۴۵ درصد بودجه‌ی عمومی دولت، که به هزینه‌های جاری اختصاص می‌یابد، به درآمدهای نفتی وابسته است و طبق مفاهیم اقتصادی، اگر بیش از ۴۲ درصد بودجه‌ی عمومی کشوری به نفت وابسته باشد، اقتصاد آن نفتی نامیده می‌شود. (۱۴)

کاهش سهم درآمدهای نفتی اولاً به معنی کاهش میزان آن در بودجه نیست، زیرا به دلیل متورم بودن بودجه، همواره مقدار درآمدهای نفتی موجود در بودجه در حال افزایش بوده است؛ به گونه‌ای که از ۳۷ هزار میلیارد دلار سال ۱۳۸۴ به ۸۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است. ثانیاً میزان قابل توجهی از کاهش سهم درآمدهای نفتی مرتبط با تغییر شیوه‌ی حسابرسی دولت است. به عبارت دیگر، سهم نفت از بودجه‌ی سالیانه‌ی دولت، منحصر به آنچه تحت عنوان «واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای» ثبت می‌شود نیست. (۱۹)

در حقیقت واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای تنها آن بخشی از پول نفت است که به صورت مستقیم در بودجه‌ی سنواتی کشور درج می‌شود، اما منابع دیگری هم هستند که علی‌رغم اینکه از راه فروش نفت حاصل شده‌اند، در قسمت‌های دیگری ثبت می‌گردند. به عنوان مثال، منابع حاصل از هدفمندی یارانه‌ها، سود سهام و مالیات

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این تحقیق و مقاله با قیمت فقط سه هزار تومان به سایت فروشگاهی آسمان مراجعه نمایید.

عملکرد شرکت های مرتبط با نفت و سود سهام و مالیات عملکرد بانک مرکزی از این دست هستند که علی رغم ماهیت نفتی شان، در بخش های دیگری از بودجه ثبت شده اند. (۱۵)

### جدول ۱. میزان و سهم درآمدهای نفتی از بودجه عمومی کشور

متغیرها	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲*
درآمد حاصل از فروش نفت خام (هزار میلیارد تومان)	۴۹	۵۷	۷۶	۷۹	۶۲	۸۱	۱۱۵	۶۷۴	
حجم بودجه عمومی** (هزار میلیارد تومان)	۵۶	۵۹	۶۹	۹۴	۹۷	۱۲۷	۱۷۷	۱۸۲	۱۹۲
میزان وابستگی بودجه عمومی به نفت (هزار میلیارد تومان)	۵/۳۷	۴۱	۴۲	۶۵	۵۴	۶۶	۹۰	۹۱	۸۶
سهم درآمدهای نفتی از بودجه (درصد)	۶۸	۷۰	۶۱	۶۹	۵۶	۵۲	۵۱	۵۰	۴۵

\* ارقام مربوط به سال ۱۳۹۲ پیش بینی قانون بودجه سنواتی است.

\*\* بودجه کل متشکل از بودجه عمومی و بودجه عمرانی است که به دلیل ماهیت هزینه ای بودجه عمومی، در اینجا از آن استفاده شده است.

به عنوان نمونه، در بودجه سال جاری، علی رغم آنکه وابستگی بودجه عمومی به درآمدهای نفتی ۴۵ درصد اعلام شده است، ملاحظه می گردد که در عمل، این سهم تا ۵۴ درصد بودجه را شامل می شود که با تغییر نوع حسابرسی در قالب حساب های دیگری نظیر سود سهام شرکت های مرتبط با نفت و بانک مرکزی به ثبت رسیده است. (۳)

## جدول ۲. سهم درآمدهای نفتی از منابع عمومی دولت در بودجه‌ی ۱۳۹۲

عنوان	ارزش (هزار میلیارد تومان)	سهم از کل (درصد)
منابع حاصل از نفت و فرآورده‌های نفتی	۸/۶۵	۵/۳۹
منابع حاصل از هدفمندی یارانه‌ها	۰/۱۵	۰/۹
سود سهام شرکت‌های مرتبط با نفت و بانک مرکزی	۲/۶	۷/۳
مالیات عملکرد شرکت‌های مرتبط با نفت و بانک مرکزی	۱/۳	۸/۱
مجموع	۱/۹۰	۰/۵۴
کل درآمدها	۸/۱۶۶	-

دولت‌ها با توجه به ماهیت هزینه‌ای خود، همواره به درآمدهای نفتی به عنوان منبع درآمد نگرسته‌اند، نه ثروت ملی. لکن بیشتر برای هزینه‌ی آن یا تقسیم درآمدهای حاصله بین مردم برنامه‌ریزی نموده‌اند تا به‌کارگیری درآمدهای مذکور جهت سرمایه‌گذاری و رونق تولید ملی. بنابراین در شرایط کنونی کشور، که امنیت اقتصادی متضمن امنیت ملی است، باید برنامه‌ریزی استراتژیک مناسبی برای تغییر ساختار حاکم بر اقتصاد ملی و درآمدهای نفتی کشور صورت بگیرد. (۶)

### لزوم گذار از اقتصاد نفتی

درآمدهای نفتی به اقتصاد موجب ایجاد دور تسلسلی از افزایش نقدینگی، تورم و واردات از یک سو و کاهش توان رقابتی تولید داخل و افول آن از سوی دیگر می‌شود. ضمن آنکه پیامد ضمنی ایجاد چنین چرخه‌ای، رواج فعالیت‌های واسطه‌گری و دلالی به جهت وابستگی بازار داخل به واردات و بالتبع نرخ ارز است. چنین چرخه‌ای جز به ایجاد فشار بر اقشار ضعیف جامعه و افزایش فقر نسبی منجر نخواهد شد. (۱۸)

**این فایل فقط برای مشاهده می باشد . برای خرید فایل ورد این تحقیق و مقاله با قیمت فقط سه هزار تومان به سایت  
فروشگاهی آسمان مراجعه نمائید.**

در نتیجه، اصلاح روند کنونی جهت تحقق عدالت اقتصادی و پیشرفت در دهه‌ی پیش‌رو، ضروری است. از سوی دیگر، تحقق اهداف اسناد بالادستی نظام، نظیر سند چشم‌انداز بیست‌ساله، با ادامه‌ی روند کنونی عملاً میسر نخواهد بود که خود تأکید دوباره‌ای بر لزوم تغییر ساختار مبتنی بر درآمدهای نفتی اقتصاد ایران است. (۱۶) تغییر ساختار اقتصاد بودن نفت به معنی عدم استفاده از درآمدهای نفتی نیست، بلکه اشاره به نوع استفاده از آن به عنوان منبع مناسبی برای سرمایه‌گذاری دارد. لذا راهکارهای اجرایی باید معطوف به ایجاد درآمدهای زاینده برای جایگزینی با درآمدهای نفتی باشد. (۱۴)

دو راهکار اساسی توسعه‌ی صنایع تبدیلی نفت جهت ممانعت از خام‌فروشی و تبدیل آن به مواد با ارزش افزوده‌ی بیشتر و رونق تولید ملی جهت ایجاد بستر مناسب برای درآمدهای پایدار، به‌ویژه مالیات بر ارزش افزوده، می‌تواند مقدمات تغییر ساختار اقتصاد ایران را فراهم آورد.



## **الف) توسعه‌ی صنایع تبدیلی پتروشیمی**

محصولات پتروشیمی بیش از ۲۷ درصد صادرات غیرنفتی کشور را تشکیل داده است؛ به طوری که در سال ۱۳۹۱ میزان ۱۸/۶ هزار میلیارد تومان از این بخش درآمد نصیب کشور گردیده است، لکن میزان آن در مقایسه با منابع عظیم نفتی و گازی که در کشور برای توسعه‌ی صنایع پتروشیمی وجود دارد چندان مناسب نیست. (۱۱)

**این فایل فقط برای مشاهده می باشد . برای خرید فایل ورد این تحقیق و مقاله با قیمت فقط سه هزار تومان به سایت فروشگاهی آسمان مراجعه نمایید.**

حدود ۳ درصد بازار جهانی و ۲۴ درصد بازار خاورمیانه‌ی محصولات پتروشیمی در اختیار ایران است که با توسعه‌ی صنایع تبدیلی سهم کشور از بازار جهانی تا ۵ درصد نیز قابل افزایش است.

جدول ۳ . مقایسه‌ی درآمد حاصل از خام‌فروشی نفت با درآمد حاصل از صادرات پتروشیمی

سال	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
درآمد حاصل از فروش نفت خام (هزار میلیارد تومان)	۴۹	۵۷	۷۶	۷۹	۶۳	۸۱	۱۱۵	۶۷۴
درآمد حاصل از صادرات محصولات پتروشیمی (هزار میلیارد تومان)	۵/۱	۱/۱	۳	۵	۴/۴	۶/۶	۳/۱۳	۶/۱۸
سهم محصولات پتروشیمی از صادرات غیرنفتی (درصد)	۱۵	۱۰	۲۲	۲۹	۲۱	۲۴	۲۹	۲۷

در فرآوری نفت و گاز، دو مرحله‌ی تولید خوراک پتروشیمی و سپس تولید محصولات نهایی پتروشیمی از خوراک‌های به‌دست‌آمده وجود دارد. در مرحله‌ی اول، یعنی تولید خوراک پتروشیمی، بیش از سه الی چهار برابر، ارزش افزوده در اقتصاد کشور ایجاد می‌گردد و در مرحله‌ی بعد با به‌کارگیری خوراک‌های مذکور جهت تولید محصول نهایی، امکان ایجاد ارزش افزوده تا ۱۰ برابر ارزش خام مواد نفتی و گازی وجود دارد. (۱)

توسعه‌ی صنایع تبدیلی پتروشیمی، علاوه بر آنکه موجب اشتغال‌زایی و افزایش درآمد ملی می‌شود، کشور را از واردات بسیاری از محصولات پتروشیمی بی‌نیاز می‌گرداند. با توسعه‌ی صنعت پتروشیمی، سهم کشور از بازارهای جهانی افزایش یافته و موجب ایجاد امنیت سیاسی بیشتری برای کشور می‌گردد. (۱۴)

### **ب) رونق تولید ملی جهت احیای نظام مالیاتی**

زمانی می‌توان از فعالین اقتصادی مالیات اخذ کرد که تولید رونق یافته باشد. در شرایط کنونی، ایجاد رونق در تولید ملی بیش از هر عامل دیگری به کنترل تورم بستگی دارد و کنترل تورم نیز همان‌طور که در فوق



**این فایل فقط برای مشاهده می باشد . برای خرید فایل ورد این تحقیق و مقاله با قیمت فقط سه هزار تومان به سایت فروشگاهی آسمان مراجعه نمایید.**

بدان اشاره گردید، بستگی زیادی به اصلاح ساختار مبتنی بر درآمدهای نفتی دارد و از طرف دیگر، اصلاح ساختار مذکور، به جایگزینی درآمدهای معقول، مانند اخذ مالیات به جای درآمدهای نفتی نیاز دارد. (۱۳)

یقیناً اتخاذ سیاست‌های روزمره هیچ‌گاه اقتصاد ملی را نجات نخواهد داد و علی‌رغم تصور، موجب ایجاد نارضایتی اقتصادی بیشتر و روزافزون مردم خواهد شد و در سال‌های پیش رو، کشور را با چالش‌های امنیتی درونی مواجه خواهد ساخت. (۳) بنابراین اتخاذ سیاست کلان اقتصادی مناسب جهت کاهش تزریق درآمدهای نفتی و هم‌زمان افزایش سهم مالیات در بودجه‌های سنواتی از اولویت‌های اقتصادی کشور بوده که نیازمند منضبط‌سازی دولت، اعتماد مردم به دولت و در نهایت، تغییر نگرش به درآمدهای نفتی به عنوان ثروت ملی، نه درآمد ملی است. (۱۱)

## **کارکردها و آثار منفی نفت در نظام اقتصادی - اجتماعی ایران**

با اکتشاف نفت و نیاز روزافزون دنیای صنعتی به آن در مقام بزرگ‌ترین و مهم‌ترین منبع تامین انرژی و منابع اولیه انواع پلیمرها و پلاستیک‌ها، مسیر اجتماعی و اقتصادی بسیاری از کشورها و همچنین ایران، به کلی تغییر کرد. (۱۲)

گروهی از کارشناسان بر این باورند که نفت مسبب اصلی توسعه نیافتگی کشور در ابعاد گوناگون است و همه مشکلات ما به‌گونه‌ای ناشی از اتصال به این منبع هنگفت از ثروت خدادادی می‌باشد. بنابراین اگر ایران نفت نمی‌داشت چه بسا اوضاعی بهتر و مناسب‌تر از وضع کنونی خود داشت. اگرچه اوضاع ایران بدون نفت را نمی‌توان با قطع و یقین ترسیم و تصویر نمود، اما نباید از تاثیرات منفی نفت در حوزه‌های گوناگون غافل بود.

(۲) در ادامه به بررسی عمده‌ترین کارکردهای نفت در نهادهای مختلف کشور می‌پردازیم:

۱ - نفت، پوششی بر ناکارآمدی نظام اقتصادی

بزرگ‌ترین تاثیر منفی نفت در اقتصاد ایران، پوشش ضعف‌ها و ناکارآمدی‌های اقتصادی ایران است. ایران اگرچه از نظر بنیادهای تولید و فناوری و محیط کسب و کار جزء کشورهای غنی و پیشرفته نیست، اما ثروت کلان نفت که بدون زحمت و محنت در اختیار جامعه قرار گرفته است، کشور را در ردیف جوامع در حال توسعه و با درآمد سرانه نسبتاً بالا قرار داده است. (۱۳)

نفت واقعیات اقتصاد ضعیف و بیمار کشور را از نظرها مخفی نگاه داشته، چراکه تعهدات مالی ما به راحتی با فروش نفت تامین شده است و هیچگاه احساس نیاز و کمبود نکرده‌ایم تا مغزها و دست‌هایمان را به تلاش و تکاپو در عرصه اقتصاد وادار سازیم. اگرچه ایران از لحاظ سرانه تولید کشوری غنی نیست ولی مصرف‌کننده‌ای بزرگ (به‌ویژه برای کالاهای لوکس) محسوب می‌شود. (۱۸) کافی است به بازارهایی چون خودرو و لوازم خانگی سری بزنیم. بهترین اجناس بزرگ‌ترین کمپانی‌های دنیا در بازارهای کشور به آسانی یافت. (۱۸)

## ۲- حجیم ساختن و ناکارآمدی نظام بروکراسی در ایران

کافی است برای کار ساده‌ای چون ثبت یک مؤسسه یا به ادارات مربوطه مراجعه شود تا صحت این ادعا به اثبات برسد. علاوه بر کندی و لختی که از مظاهر عمده ناکارآمدی به‌شمار می‌آیند، نظام دیوان‌سالاری کشور فوق‌العاده حجیم است و همین امر چالاک‌ی، انعطاف‌پذیری، سرعت و روزآمدی را از این سیستم سلب نموده و فساد و تبعیض را در آن به‌وجود آورده است. (۱۹)

موازی کاری، ضعف در نظام انگیزشی کارکنان، الگوی نابسامان ارتقاء در سازمان‌های دولتی، عدم شفافیت، کارشناسی ضعیف و غالباً تشریفاتی، کاغذ بازی، فساد و ... از دیگر نشانه‌های آشکار ضعف و ناکارآمدی نظام

اداری کشور است که بخش عمده‌ای از آن به درآمدهای هنگفت نفت باز می‌گردد که این نظام معیوب را شاداب و سالم نشان می‌دهد. (۱۲)

### ۳- اعطای قدرت مطلق به دولت و تضعیف نهادهای مردمی و مدنی

درآمدهای کلان نفتی که به‌طور مستقیم و مطلق در اختیار دولت قرار دارد، قدرتی مطلق به آن بخشیده است و مسیر به‌وجود آمدن، تقویت و توسعه نهادهای مستقل و قدرتمند مردمی را پیچیده و دشوار ساخته است؛ به‌طوری که می‌توان گفت هیچ نهاد مستقل مردمی قدرتمندی به جز نهاد تاریخی روحانیت، در ایران وجود ندارد. حکایت مطبوعات در ایران باز هم تاسف‌برانگیزتر است. چراکه همه مطبوعات به نوعی وابسته به سهمیه‌ها و یارانه‌های دولتی هستند. (۱۴)

### ۴- ضعف عمومی در فرهنگ نظم، تلاشگری و قناعت

درآمدهای حاصل از نفت که فرهنگ ضد بهره‌وری را در غالب نهادها و سازمان‌های کشور اشاعه داده‌اند، جایگزین فرهنگ شرعی و سنتی کار و قناعت در جامعه شده‌اند؛ به‌طوری که هم‌اکنون بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، الگوی مصرفی متعادل‌تری از الگوی مصرفی کشور ما را در دستور کار خود دارند. (۱۷)

این معایب عمده و عمیق در فرهنگ اجتماعی و اقتصادی ما، به‌گونه‌ای آشکار به تزیق بی‌محابای درآمدهای نفتی در نظام اقتصاد ملی باز می‌گردد و متأسفانه به رنگ باختن عناصری چون وقت‌شناسی، تلاشگری، نظم و وجدان کاری انجامیده است. عناصری بنیادین که قطعاً و حتماً بدون آن‌ها هر نوع توسعه و پیشرفتی محال خواهد بود. (۴)

## ۵- بحران انرژی و محیط زیست

یارانه‌های گشاده‌دستانه دولت در بخش انرژی که از طریق فروش نفت تأمین مالی می‌شود و مصرف مسرفانه سوخت در کشور، اصلی‌ترین دلیل بحران فزاینده انرژی و محیط زیست در ایران محسوب می‌گردد. در کشور ۷۰ میلیونی ایران بیش از کشورهای با جمعیت بالای ۳۰۰ میلیون نفر گاز یا بنزین مصرف می‌شود و روند تخریب و تجدید منابع طبیعی در کشور، فرسایش‌ها، از بین رفتن جنگل‌ها و مراتع، خشکسالی، کاهش بارندگی و ... کشور را با بحران‌های جدی مواجه ساخته است. (۹)

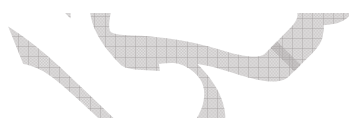
در ایران به دلیل برخورداری از منابع عظیم نفتی، سوخت و حامل‌های انرژی هیچ‌گاه قیمت واقعی و منطقی نداشته‌اند و همین امر باعث شده که به دیگر منابع طبیعی، به‌عنوان ثروت ملی و عامل توسعه پایدار و متعادل در درازمدت توجهی نشود. اگرچه به‌نظر می‌رسد کارکردهای منفی سوء مدیریت درآمدهای نفت در ایران گسترده است، اما این موضوع نباید منافع و محاسن نفت را پنهان و پوشیده نگاه دارد. (۱۱)

نفت، در زمره سه مولفه اصلی قدرت کشور در مناسبات و معادلات بین‌المللی محسوب می‌گردد. (عوامل دیگر قدرت ملی ایران، مذهب و جغرافیای راهبردی کشور است). با توجه به وابستگی حیاتی عموم کشورهای دنیا و به‌ویژه کشورهای صنعتی و قدرتمند، به منابع انرژی، همه دولت‌ها رفتاری توأم با احتیاط و مراعات با ممالک نفت‌خیز دارند و همین امر وزن خاصی در مذاکرات و چانه‌زنی‌های سیاسی به آن‌ها می‌بخشد. (۱۶)

البته یادآوری این نکته ضروری است که آنچه از کارکردهای منفی درآمد نفت در ایران برشمردیم به ذات درآمدهای نفتی باز نمی‌گردد؛ بلکه به سوء مدیریت این درآمدها مربوط است. نفتی که اکنون به عاملی منفی

**این فایل فقط برای مشاهده می باشد . برای خرید فایل ورد این تحقیق و مقاله با قیمت فقط سه هزار تومان به سایت  
فروشگاهی آسمان مراجعه نمایید.**

در اقتصاد ایران تبدیل شده است، با مدیریتی صحیح و خردمندانه می-تواند موتور توسعه ملی کشور شود. اما آنچه مانع تحقق این مهم شده است، مدیریت اشتباه حاکم بر درآمدهای نفتی بوده است. (۷)



### **بحث و نتیجه گیری:**

اینکه اصلاح ساختار اقتصادی کشور نیازمند همت همه‌جانبه‌ی مسئولین و به‌ویژه مردم است، مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) عنوان حماسه‌ی اقتصادی را برای شعار سال جاری انتخاب فرمودند و دو راهکار اساسی برای تحقق امر مذکور، یعنی اصلاح مدیریت نفت و اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی جهت اصلاح ساختار اقتصادی کشور، پیشنهاد نموده‌اند. (۶)

تا زمانی که نگاه مدیریت کلان کشور (به ویژه بخش دولتی) به درآمدهای نفتی به عنوان درآمدی برای مخارج روزمره باشد (نه ثروتی برای پیشرفت کشور)، اصلاح ساختار مبتنی بر درآمدهای نفتی و پیامدهای آن، یعنی تورم و رکود، میسر نبوده و در دهه‌ی عدالت و پیشرفت، توفیقی حاصل نخواهد شد. (۸) برای نیل به اهداف مذکور طی سال جاری، پیشنهادات زیر مطرح می‌شود:

۱. راه اصلاح ساختار وابسته به نفت از خود نفت می گذرد و آن شناسایی ظرفیت های کشور برای به کارگیری نفت و گاز جهت ایجاد ارزش افزوده ی بیشتر از طریق گسترش صنعت پتروشیمی و به ویژه صنایع پایین دستی آن است. (۱۴)

۲. در شرایط کنونی و با ساختارهای موجود نیز می توان از نفت و درآمدهای آن به شکل بهتری استفاده کرد و آن ایجاد انضباط مالی در عملکرد دولت (به ویژه دولت آینده) و رعایت سهمیه بندی های مربوط به سرمایه گذاری در بخش های مختلف تولیدی است. (۴)

۳. شناسایی درآمد پایدار مبتنی بر رونق تولید ملی از راه های مکمل راهکار فوق است. از اولین اقدامات در این زمینه، شناسایی دقیق مؤدیان مالیاتی، به ویژه در بخش بازرگانی و خدمات است که بیشتر معطوف به دلالی و سوداگری است. (۱۶) در این صورت، امکان هدایت منابع کشور (به ویژه نقدینگی) به سمت تولید ملی وجود داشته و مقدمات ایجاد درآمد پایدار مبتنی بر تولید فراهم می گردد. (۱۷)

۴. اهتمام بر اجرای دقیق طرح مالیات بر ارزش افزوده راهکار مناسبی جهت اصلاح ساختار مذکور است. (۳) همچنین اجرای راهکارهای ذیل میتواند تا حد زیادی پیامدهای منفی سیر نزولی قیمت نفت را کاهش دهد:

- پیش بینی قیمت واقعی نفت در بودجه .
- قطع نظر از اجرای طرح تحول و تدوین انقباضی بودجه . (۱۳)
- سیاستهای پولی برای کنترل نقدینگی و تورم . (۱۴)
- تسریع در اجرای سیاستهای اصل ۴۴- توجه ویژه به تولیدات بخش کشاورزی، چون داده های آماری حاکی از آن است که واردات سال رو به افزایش است . (۹)
- کاهش وابستگی بودجه به نفت .

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد این تحقیق و مقاله با قیمت فقط سه هزار تومان به سایت  
فروشگاهی آسمان مراجعه نمایید.

- مدیریت بر مصرف انرژی بویژه آن بخشی که از خارج وارد می شود، مثل بنزین و غیره ... (۷)
- تلاش برای ایجاد انضباط مالی از طریق کاهش هزینه های دولت و ایجاد توازن در بودجه کشور. (۱۰)
- اجرای سیاستهای انقباضی مثل چاپ و توزیع اوراق مشارکت در بین مردم. (۱۵)

فروشگاهی آسمان

## فهرست منابع

۱. افروز ، احمد و سوری ، علی (۱۳۹۰)، اثر ثبات و نوسانات صادرات نفت بر رشد اقتصاد ایران ، پیک نور ، سال ۲۰ ، شماره ۴۰ ، صص ۳۰-۳۹.
۲. الهی ، همایون ، (۱۳۸۹) ، نفت ، صنعت و توسعه ، نشر قومس ، چاپ ۴ ، صص ۱۲۲-۱۴۱.
۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، (۱۳۸۵) ، بولتن مالی و اقتصادی بین المللی ، شماره ۶۱ ، صص ۷۳-۵۴.
۴. سازمان برنامه و بودجه ، (۱۳۸۹) ، صدمین برنامه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی اسلامی ایران - تهران .
۵. سلطانی ، ایزابت (۱۳۸۸) ، نقش بهره وری در رشد اقتصادی و توسعه صادرات غیرنفتی (مطالعه موردی : استان فارس) ، مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی ، سال ۹ ، شماره های ۹۵ ، صص ۵۰-۶۷.
۶. سلیمی ، محمد (۱۳۸۶) ، اقتصاد نفت ، مجله اقتصاد ، دوره ۴ ، شماره ۲۵ ، صص ۱۳-۲۶ .
۷. سیف ، الله مراد ، (۱۳۸۹) ، نقش نفت در اقتصاد ایران (ارزیابی اقتصادی دلاری بودن درآمد نفت در اقتصاد ایران) ، کنگره سراسری نفت و توسعه پایدار ، فصلنامه اقتصاد ، شماره ۲۲۰ ، صص ۱۲-۲۵ .
۸. صالحی اصفهانی ، هادی (۱۳۹۱) ، تنگناهای مالی تولید ، فصلنامه تازه های اقتصاد ، شماره ۱۳۶ ، صص ۷۹-۷۲ .
۹. صدیقی ، کوروش ؛ شهیدی ، امیر هوشنگ (۱۳۸۹) ، نقش نفت در اقتصاد ایران (ارزیابی اقتصادی دلاری بودن درآمد نفت در اقتصاد ایران) ، کنگره سراسری نفت و توسعه پایدار ، فصلنامه اقتصاد ، شماره ۲۲۰ ، صص ۱۲-۲۵ .



۱۰. زادمهر ، حسینعلی ، (۱۳۸۹) ، نفت و اقتصاد ایران، کنگره سراسری نفت و توسعه پایدار ، فصلنامه تازه های اقتصاد ، شماره ۱۰۲ ، صص ۴۱-۵۶ .
۱۱. ذوقی ، ایرج ، (۱۳۹۰) ، نفت و پیامدهای اقتصادی آن ، انتشارات پازنگ ، چاپ ۵ ، صص ۱۱۰-۱۳۵ .
۱۲. قره باغیان ، مرتضی (۱۳۹۲) ، نفت و اقتصاد ، فصلنامه کیهان رشد و توسعه ، نشر نی ، صص ۲-۳۵ .
۱۳. مهدوی ، ابولقاسم (۱۳۸۹) ، نفت و توسعه اقتصادی ایران ، مجله تحقیقات اقتصادی ، شماره ۱۵۱ ، صص ۱۰۹-۱۳۴ .
۱۴. Bharier, Julian (۲۰۱۳) , Economic development in iran ۲۰۰۹-۲۰۱۱ , Oxford University Press , London , New Yourk , Vol ۳۲ , pp: ۱۰۲-۱۲۰ .
۱۵. Griffin, James and Henry B and Steele (۲۰۱۳) , R , Energy Economic and Policy , academic press Collage division , vol ۳۲, pp ۲۵-۳۴ .
۱۶. Naylor, Tomas , (۲۰۱۱) , Computer Simulation Techniques , John Wiley and sons, inc, new york , vol ۱۰۰ , pp ۴۰-۷۴ .
۱۷. Todaro, Michael , (۲۰۱۳) , economic development in the third world Longman, new York and london , vol ۲۶ , pp ۲۲۱-۲۴۰ .
۱۸. US . departeman of commerce , crude oil, Natural Gas , ۲۰۱۰ , annual report , Washington dc.
۱۹. World Bank proceeding of the world bank annual conference on development economics . ۲۰۱۳ .